

# خانوادگی



## دخالت خواهر زن زندگی ام را تباه کرد

در جنایت خانوادگی دیگری که سال ۹۷ رخ داد، این بار پای پدر و مادر همسر در میان نبود و قاتل خواهرزنش را دلیل قتل اعلام کرد.

صبح روز یکشنبه ۱۱ شهریور، پلیس آگاهی جسد یک زن و شوهر به نام‌های مهسا و کیوان را در استان البرز کشف کرد. بلافاصله ماموران اداره مبارزه با جرایم جنایی استان البرز به محل کشف اجساد اعزام شدند که هر دو با ضربات چاقو به قتل رسیده بودند. خانواده مقتولان شناسایی و به پلیس آگاهی دعوت شدند اما آنها به کسی مظنون نبودند. مدتی بعد مشخص شد مرد ۴۳ ساله‌ای به نام رضا که داماد خانواده بود، روز حادثه دوبار به محل کشف اجساد رفت و آمد کرده است.

متهم ابتدا زیر بار ارتکاب قتل نرفت اما وقتی در برابر شواهد پلیسی قرار گرفت، به قتل عمدی مهسا و کیوان اعتراف کرد و گفت: «مهسا خیلی در زندگی ما دخالت می‌کرد و باعث بروز اختلافات جدی بین من و همسر من شده بود. برای همین تصمیم گرفتم از او انتقام بگیرم. صبح با گوشی همسر من به مهسا پیام دادم و گفتم با هم به خرید برویم و بعد همسر من را به خانه پدرش بردم. دقایقی بعد، کیوان همسرش را مقابل خانه ما پیاده کرد و رفت. وقتی مهسا وارد خانه شد، آن قدر گردنش را فشار دادم که خفه شد. سپس جسدش را پشت صندوق عقب انداختم و به ساوجبلاغ بردم. پس از قتل او، به کیوان زنگ زدم و گفتم ما شینم خراب شده است و به کمک نیاز دارم. می‌خواستم او را به قتلگاه بکشانم. پس از آمدن او، با چاقو به کیوان حمله کردم و از پشت چند ضربه به او زدم. وقتی افتاد با سنگ هم چند ضربه به سرش زدم و رفتم.» متهم تحویل پلیس آگاهی ساوجبلاغ شد.

## خانواده‌ها در زندگی زوجین دخالت نکنند

### نگاه کارشناس

دکتر پروین ناظمی

روانشناس

یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها و توانمندی‌هایی که باید آن را در زندگی آموزش و فرا بگیریم، پذیرش است. پذیرش به این معنی نیست که موضوع را بدون چون و چرا قبول کنیم، یعنی این که ابتدا موضوع را از تمامی ابعاد بررسی کنیم و سپس در مورد پذیرش آن تصمیم بگیریم. وقتی یکی از زوجین به هر علتی تصمیم به جدایی می‌گیرد، برای این کار حتماً دلیلی دارد که از دید به فرض آقا، منطقی نیست و ممکن است به نفع او نباشد، در حالی که باید بپذیرد. افرادی که در پذیرش مسائل، مشکل دارند، کسانی هستند که شخصیت آنها رشد نداشته، قدرت پذیرش و بعد عقلانی شخصیت در آنها تکامل پیدا نکرده است، در حالی که از کودکی تا دوران بلوغ، ابعاد مختلف شخصیت انسان‌ها باید رشد کند و به مرور زمان، این رشد در ابعادی مانند اجتماعی، عاطفی، عقلانی و... افزایش پیدا می‌کند. آنچه که در حال حاضر شاهدش هستیم، رشد نکردن یکی از وجوه شخصیت در بسیاری از افراد است. چنین افرادی هنوز یاد نگرفته‌اند بعد عاطفی و عقلانی خود را مدیریت کنند. به محض این که دچار مشکلی می‌شوند یا اختلاف نظری به وجود می‌آید، واکنش‌های غیرعقلانی، هیجانی و در مواردی فاجعه‌بار از خود نشان می‌دهند که قتل‌های رخ داده توسط برخی دامادها، یکی از همین واکنش‌های غیرمنطقی است. متأسفانه بسیاری از افراد هنوز یاد نگرفته‌اند که بسیاری از اختلافات را به راحتی می‌توان از راه‌های منطقی و صحبت کردن رفع و رجوع کرد و نیازی به اعمال خشونت نیست.

در بحث ازدواج، بسیاری از آموزش‌های داده شده ناقص است. ما در خانواده، دانشگاه و جامعه هیچ آموزشی در این باره ندیده‌ایم. به عنوان یک روان‌شناس و در بحث زوج درمانی می‌بینم که بسیاری از زوجین از رشد کافی عقلانی، عاطفی و شخصیتی برخوردار نیستند و پس از ازدواج دچار مشکلات عدیده می‌شوند. چنین افرادی، بسیاری از مهارت‌های زندگی را نیاموخته‌اند و نمی‌دانند با در پیش گرفتن چه روش‌هایی، می‌توانند به تعادل برسند. قدرت حل مساله به شیوه محترمانه و دوستانه به جوانان آموزش داده نشده و در موارد تنش‌زا، قادر به کنترل خشم و استرس

خود نیستند، این در حالی است که همه باید تفکر نقاد و خلاق داشته باشیم. اگر دامادی مرتکب قتل شد، نمی‌توانیم به او انگ روانی بودن بزنیم و بگوییم اختلال شخصیت دارد. چنین فردی، شاید در بسیاری از مسائل، به نحو مطلوب و خوب رفتار کرده باشد اما در مورد حل اختلاف خانوادگی و دخالت والدین همسر، چون آموزش کافی ندیده، بلد نیست مشکل و مساله خود را حل و فصل کند. درخواست نفقه و مهریه از طرف خانم، مساله‌ای است که ممکن است به مذاق آقا خوش نیاید و زمینه‌ساز بروز اختلاف نظر شود اما راهش قتل نیست و باید کنترل رفتار را به افراد آموخت.

بعد دیگر این‌گونه حوادث به قوانین ما برمی‌گردد. اگر در قوانین به وضوح به حقوق خانم و آقا اشاره شده و تبصره‌های مهریه و نفقه را می‌دانستیم، چنین مسائلی رخ نمی‌داد. البته منظور ما، وجود ضعف در قانون نیست، بلکه علت عمده بروز این مشکلات، ناآگاهی افراد نسبت به حقوق خود است.

راه حل این موضوع، رعایت چند نکته است. اول این که خانواده‌ها باید این طرز تفکر را که اگر پسر ازدواج کند، درست و سر به راه می‌شود یا فعلاً از سر خودم باز کنم، همسرش بعدها مشکل را حل می‌کند، اصلاح کنند. به نظر من فردی با داشتن این نوع طرز تفکر، از وجدان اخلاقی ناچیزی برخوردار است. حالا اگر دو نفر با هم ازدواج کردند و به مشکل برخوردند، به خانواده‌ها توصیه می‌کنم تحت هیچ شرایطی به موضوع مورد اختلاف آنها ورود نکنند. بهترین کاری که می‌توانند انجام دهند، این است که آنها را از هم دور کنند و برای انجام این کار حتی می‌توانند به قانون هم متوسل شوند. با این شیوه است که می‌توانند اختلاف و دعوا را کنترل کرد و مانع از وقوع یک بحران جدی شد.

اگر در این مدت زن و شوهر اختلافات خود را حل کنند که چه بهتر، اگر نتوانستند حتماً متخصصان دیگری هستند که بتوانند موضوعات مورد اختلاف آنها را رفع رجوع کنند اما سایر اعضای خانواده مانند پدر، مادر و برادر و خواهر از ورود به موضوع به طور جد خودداری کنند تا کار به جاهای باریک نکشد.

## خشونت را رواج ندهیم

دکتر امان‌الله قزایی مقدم

جامعه‌شناس

جاری بودن فرهنگ طایفه‌ای، ایلیاتی و عشایری در بسیاری از جوامع و نقاط کشور باعث شده تا مردان، زنان را به نوعی جزو دارایی و مایملک خود محسوب کرده و برای جلوگیری از اتفاقاتی که ممکن است زندگی آن را تحت تأثیر خود قرار دهد، اقدام به قتل همسر یا اعضای خانواده‌اش کنند. این‌گونه افراد، زن را ناموس خود دانسته و از دخالت اطرافیان در زندگی خصوصی خود بسیار رنج می‌برند. دخالت‌های ناروای اطرافیان در زندگی زوجین، به دلیل خرده فرهنگ حاکم بر آن منطقه، اعتبار و حیثیت خانوادگی است که از مدت‌ها پیش نهادینه شده و باعث وقوع فاجعه می‌شود. این ویژگی اجتماع است که به این آسانی هم برچیده نمی‌شود. حتی خشونت‌های انجام شده در سطح جامعه و همچنین محدودیت‌ها نیز متأسفانه مسیر را برای ارتکاب جنایت هموار می‌کند. خشونت در جامعه به شکل قابل توجهی افزایش پیدا کرده، برای این که عوامل برانگیزاننده خشونت در جامعه بسیار زیاد است. شدت یافتن فقر، معیشت، بیکاری، باورها، اعتقادات، آرامش روحی و روانی و میزان رضایت از زندگی، همه از جمله عوامل مهمی است که در افزایش یا کاهش میزان خشونت در جامعه مؤثر است. در کنار اینها، عواملی مانند سطح تحصیلات فردی و نوع تربیت خانوادگی فرد نیز نقش به سزایی در وقوع این فجایع ایفا می‌کند.

قانون ما دچار ضعف است، در واقع قانون وجود دارد اما به درستی اجرا نمی‌شود و همین مساله شدت خشونت را افزایش می‌دهد. ضمن این که باید بدانیم یکی دیگر از عواملی که شدت خشونت را افزایش می‌دهد، همین رسانه‌ها هستند. فیلم‌های خشن و اخبار حوادث که مملو از خشونت است، به راحتی می‌تواند میزان خشونت علیه خانم‌ها را افزایش دهد. برای کاهش خشونت و تبعات آن هیچ راهی وجود ندارد، جز این که روی اجرای درست و کامل و صحیح قوانین و مجازات‌ها کار کنیم.